



Evaluating the Reliance on Public Order in Restricting the Right to Artistic Employment; A Case Study of the Prohibition of Professional Employment of Artists

Majid Najarzadeh Hanjani¹
Alireza Shamsi Moheb²

 0000-0003-3946-119X

 0009-0007-1313-1842

Abstract

One of the most challenging measures taken in the field of art is the prohibition of professional employment of artists based on the concept of public order. The interpretability of this concept leaves the hands of governments free to create restrictions and this issue is the beginning of creating a challenge between the government and the people. Therefore, the present research, using a descriptive-analytical method, has evaluated the prohibition of professional employment of artists based on the concept of public order, and its results indicate that the prohibition of professional employment of artists conflicts with a wide range of rights, including freedom of expression, job security, and the like. The margin of appreciation doctrine which was proposed as one of the innovations of the European Court of Human Rights in order to create a balance between the general interests of society and the rights and freedoms of individuals and to establish criteria for limiting them, has emphasized on the exceptionality of creating restrictions and the necessity of complying with legal prescriptions, the necessities of a democratic society, objective legitimate goals and the principle of proportionality. Based on this and considering the mentioned cases, the prohibition of the professional employment of artists by the government and as a result, the occurrence of economic problems for them is not compatible with the purpose proposed for this action, which is to maintain the general order of the society, and it cannot be defended based on the margin of appreciation doctrine.

Keywords: Public Order, The Right to Artistic Employment, Prohibition of Professional Employment, Artist, Art Law.

1- Assistant Prof. Department of Public Law, Faculty of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran
M.najarzadeh@usc.ac.ir

2- MA. in Public Law, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
Alireza.sh.moheb@gmail.com

ارزیابی استناد به نظم عمومی در تحدید حق اشتغال هنری؛ مطالعه موردی منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

مجید نجارزاده هنجنی^۱

علیرضا شمسی محب^{۲*}

چکیده

یکی از پرچالش‌ترین اقدامات انجام‌شده در حوزه هنری، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان به استناد مفهوم نظم عمومی است. تفسیرپذیر بودن این مفهوم دست دولت‌ها را در ایجاد محدودیت باز می‌گذارد و این موضوع، سرآغاز ایجاد چالش بین دولت و مردم است. از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان به استناد مفهوم نظم عمومی را مورد ارزیابی قرار داده است و نتایج آن نشان‌دهنده این موضوع است که منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان با طیف وسیعی از حقوق، از جمله آزادی بیان، امنیت شغلی و مانند این‌ها در تعارض است. دکترین حاشیه صلاحدید که به عنوان یکی از ابداعات دیوان اروپایی حقوق بشر به منظور ایجاد تعادل و توازن میان منافع عمومی جامعه و حقوق و آزادی‌های افراد و ایجاد ضوابط برای محدودسازی آن‌ها مطرح شده، بر استثنائی بودن ایجاد محدودیت و لزوم رعایت تجویز قانونی، ضرورت‌های یک جامعه مردم‌سالارانه، اهداف مشروع عینی و اصل تناسب تأکید کرده است. بر این اساس و با توجه به موارد مذکور، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان توسط دولت و به تبع آن، بروز مشکلات اقتصادی برای آن‌ها، با هدف مطرح‌شده برای این اقدام که همانا حفظ نظم عمومی جامعه است، تناسبی ندارد و بر مبنای دکترین حاشیه صلاحدید نیز قابل دفاع نیست.

واژگان کلیدی

نظم عمومی، حق اشتغال هنری، منع اشتغال حرفه‌ای، هنرمند، حقوق هنر.

۱. استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

M.najarzadeh@usc.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید

بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Alireza.sh.moheb@gmail.com

مقدمه

هنر از یکسو به‌عنوان یکی از جلوه‌های بیان از مصادیق آزادی‌های عمومی محسوب می‌شود و از سوی دیگر اشتغال هنرمند به فعالیت هنری نیز او را به حقوق مرتبط به اشتغال ذی‌حق می‌کند. همچنین فعالیت هنری به‌عنوان فعالیت فرهنگی - اجتماعی نقش مهمی در جهت‌دهی به جریان‌های اجتماعی و فرهنگی کشور دارد و می‌تواند با ورود به عرصه عمومی، آثار مهم اجتماعی به همراه داشته باشد. براین‌اساس نظارت و مداخله دولت در فعالیت هنری دور از ذهن نیست. در ایران نیز هنر و فعالیت هنری همواره موضوع نظارت دولت بوده و منع اشتغال حرفه‌ای^۱ هنرمندان یکی از اقداماتی است که در راستای این نظارت، ممکن است موضوع تصمیم‌گیری قرار گیرد. «فریدون گله، محمد رحمانیان، ناصر ملک‌مطیعی، باران کوثری و کوروش یغمایی» از جمله هنرمندانی هستند که کاملاً یا در مقطعی در کشور با ممنوعیت اشتغال حرفه‌ای مواجه شدند (آگاه، ۱۳۹۹، ص. ۹۵). «مهران مدیری» نیز در مصاحبه تصویری، به منع اشتغال حرفه‌ای طولانی خود و عوامل مجموعه «ساعت خوش» در سال ۱۳۷۳ اشاره کرد که باعث مشکلات مختلفی در زندگی شخصی او شد.^۲ تا پیش از سالیان اخیر، عموماً منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان از سوی مقامات رسمی صریحاً تکذیب می‌شد؛ اما وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم در آیین بهره‌برداری از فیلمخانه ملی ایران در چهارم مردادماه ۱۴۰۳، رسماً بر وجود این موضوع در کشور تأکید کرد.^۳ اصولاً ایجاد محدودیت برای فعالیت‌های هنری با توجه به آثار آن‌ها در جامعه به استناد مفاهیمی همچون نظم عمومی صورت می‌گیرد. مفهوم نظم عمومی شامل مصادیق مختلفی از جمله امنیت ملی، اخلاق حسنه و موارد دیگری مانند این‌ها می‌شود.

به سبب اهمیت موضوع منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان که مصداق تحدید حق اشتغال هنری شناخته می‌شود، پژوهش حاضر به بررسی این اقدام (منع اشتغال حرفه‌ای

۱. در زبان محاوره از عبارت «ممنوع‌الکار» استفاده می‌شود. این عبارت به لحاظ ادبی عبارت صحیحی نیست. به‌همین‌جهت در این پژوهش از عبارت «منع اشتغال حرفه‌ای» استفاده شده است.

۲. <https://www.aparat.com/v/IW6Hh>

۳. isna.ir/xdRyFC

هنرمندان) به استناد مفهوم نظم عمومی پرداخته است. در این خصوص، پژوهشی با عنوان «بدون تاریخ، بدون امضا: حکایت ممنوع‌الکاری اداری/ قضایی هنرمندان در حقوق ایران»، به قلم دکتر وحید آگاه در شماره (۳) فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری منتشر شده است. در پژوهش مذکور، نگارنده به بررسی موضوع منع اشتغال حرفه‌ای بر مبنای نظام مجوزدهی در ایران پرداخته است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش مذکور در بررسی موضوع بر مبنای حق اشتغال هنری و مفهوم نظم عمومی استوار است. پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان بین حق اشتغال هنری و حفظ نظم عمومی جامعه تعادل برقرار کرد؟ و آیا هنر و فعالیت هنری می‌تواند ناقض نظم عمومی تلقی شود؟ برای پاسخ به پرسش مذکور، ابتدا مبانی حق اشتغال هنری بررسی شده و سپس به تحلیل تحدید حق اشتغال هنری به استناد نظم عمومی پرداخته می‌شود و در انتها نیز کنترل تفسیرپذیری مصادیق نظم عمومی از طریق دکتترین حاشیه صلاحدید تحلیل می‌گردد.

۱. مبانی حق اشتغال هنری^۴

اشتغال به کار و امرار معاش یکی از عناصر اصلی زندگی اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ... است. پیدایش مفهومی تحت عنوان «حق اشتغال» با بروز و ظهور بیکاری مرتبط است و بی‌راه نیست که پیدایش این حق، محصول معضلات ناشی از بیکاری دانسته شود؛ چنان‌که تا پیش از انقلاب صنعتی، بیکاری به شکلی که امروزه در جهان پدیدار شده است، وجود نداشت و تناسب نسبی بین منابع، جمعیت و نیازهای کار، جوامع را با مشکل بزرگی مواجه نکرده بود (طاهری، ۱۳۹۶، ص. ۵۱). وقوع انقلاب صنعتی در قرن هجدهم در دگرگونی وضعیت مذکور اثرگذار بود و عدم تناسب بین منابع، جمعیت و نیازهای کار، منجر به بروز بیکاری‌های گسترده و اعتراضات شد که همین موضوع، به تدریج زمینه‌ساز شناسایی «حق اشتغال» به عنوان یکی از حقوق شهروندان در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی کشورها شد که

امروزه در زمره حق اساسی و بنیادین بشر طبقه‌بندی می‌شود (Harrison, 2009, p. 65). این حق در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها دارای جایگاه ویژه‌ای است و بر آن تأکید شده است. سازمان بین‌المللی کار^۵ در اساسنامه فعلی خود که به بیانیه فیلادلفیا مشهور است، حق اشتغال را شناسایی نموده و فراهم‌کردن شرایط برای اشتغال در مشاغل مورد رضایت کارگران، تشکیل انجمن صنفی (سندیکا) و تأمین و تضمین برابری فرصت شغلی را از اهداف خود دانسته است. در بند «الف» و «ب» ماده (۵۵) منشور ملل متحد نیز بر «بالا بردن سطح زندگی، فراهم‌ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه امور اقتصادی و اجتماعی و حل مسائل بین‌المللی از سنخ اقتصادی و اجتماعی و بهداشت عمومی و سایر مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی در محیط فرهنگی و تربیتی» تأکید شده است. ماده (۲۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز حق اشتغال را شناسایی نموده است. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ نیز در ماده (۶) خود حق اشتغال را شناسایی و بر آن تأکید کرده است.^۶ همچنین ماده (۱۳) اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز کار را حقی دانسته است که برای هرکسی که قادر به انجام آن است، می‌بایست توسط دولت و جامعه تضمین شود. در کنار اسناد مذکور، حق اشتغال در اسناد و معاهدات دیگری همچون کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ... نیز شناسایی شده است. در ادامه ابعاد مبنایی مرتبط با حق اشتغال هنری بررسی و تحلیل می‌شوند.

5. International Labour Organization (ILO)

۶. ماده ۶:

۱. کشورهای طرف این میثاق حق کار کردن را که شامل حق هرکس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می‌نماید معاش خود را تأمین کند، به رسمیت می‌شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.
۲. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط‌مشی‌ها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی، اجتماعی و اشتغال تام و مولد است، تحت شرایطی که آزادی‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

۱-۱. حق فعالیت هنری به‌مثابه حق اشتغال

«حق اشتغال» شامل حوزه‌های مختلف اقتصادی، هنری و ... می‌شود و هر فردی با توجه به توانایی‌ها و استعداد خود می‌تواند در حوزه موردنظر فعالیت و امرار معاش کند (Johnston and Smith, 2001, p. 198). براین اساس، افرادی که با توجه به استعداد و توانایی خود وارد حوزه هنری می‌شوند، از حق فعالیت هنری که به‌مثابه حق اشتغال برشمرده می‌شود، بهره‌مند هستند. آنچه درخصوص حق اشتغال دارای اهمیت است، این موضوع است که اگر این حق در زمره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌شمار آورده شود، طیف وسیعی از حقوق و تکالیف مرتبط نیز در درون این حق تجلی پیدا می‌کند. این موضوع به‌ویژه در حق فعالیت هنری نمود بیشتری پیدا می‌کند و بر مبنای این حق، حقوق مختلفی برای هنرمندان در نظر گرفته می‌شود که در ادامه به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱. انتخاب آزادانه شغل

«انتخاب آزادانه شغل» از جمله حقوقی است که به تبعیت از حق اشتغال، افراد از آن بهره‌مند هستند و این موضوع در اسناد بین‌المللی و به‌ویژه ماده (۲۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۷ ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده (۱۳) اعلامیه حقوق بشر اسلامی^۸ تأکید شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز «انتخاب آزادانه شغل» شناسایی شده است. اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی در فصل حقوق ملت به‌طور صریح بر «حق اشتغال و انتخاب آزادانه شغل» تأکید کرده است^۹ و وظیفه دولت دانسته است که امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل

۷. هر انسانی حق دارد که صاحب شغل بوده و آزادانه شغل خویش را انتخاب کند، شرایط کاری منصفانه مورد رضایت خویش را دارا باشد و سزاوار حمایت در برابر بیکاری است.

۸. هر انسانی آزادی انتخاب کار شایسته را دارد به‌گونه‌ای که هم مصلحت خود و هم مصلحت جامعه برآورده شود.

۹. هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

(به عبارتی منع تبعیض)^{۱۰} را برای افراد فراهم کند؛ اما بر عدم مخالفت شغل هر فرد با «اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران» نیز تأکید کرده است که البته این موضوع، محدودیت‌هایی را برای انتخاب آزادانه شغل فراهم می‌آورد. از اصل چهل‌وسوم و چهل‌وچهارم قانون اساسی نیز می‌توان «انتخاب آزادانه شغل» را برداشت کرد؛ چراکه قانون‌گذار اساسی، در بند (۴) اصل چهل‌وسوم بر «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» تأکید کرده است و در اصل چهل‌وچهارم، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را دارای سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی دانسته است و با توجه به شرایط و مقررات، افراد آزادانه می‌توانند در هر کدام از این سه بخش فعالیت کنند (خرسندموقر و دیگران، ۱۴۰۲، ص. ۱۰). بنابراین، پرواضح است که «انتخاب آزادانه شغل» یکی از اصلی‌ترین اجزاء حق اشتغال و فعالیت هنری محسوب می‌شود. براین اساس، هنرمندان نیز بر مبنای حق اشتغال، از حق انتخاب آزادانه شغل براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور برخوردار هستند و دولت علاوه بر اینکه وظیفه دارد شرایط را برای اشتغال آن‌ها در شغل موردنظر فراهم کند، نمی‌تواند این حق را از آن‌ها سلب کند.

۲-۱-۱. امنیت شغلی^{۱۱}

در خصوص اشتغال، یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل، «امنیت شغلی» است که همواره مورد چالش بوده است. در حوزه حقوق کار هنگامی می‌توان از امنیت شغلی صحبت کرد که رابطه کارگر و کارفرما ثبات داشته باشد و به آسانی قطع نگردد (عراقی، ۱۴۰۱، ص. ۲۲۲). به عبارت دیگر، شخص شاغل نباید بیم از دست دادن شغلی که بدان مشغول است را داشته باشد (Sanyal et al, 2018, p. 204). به‌طورکلی، عدم اطمینان از وجود شغل در آینده را ناامنی شغلی می‌گویند (Asfaw and Chang, 2019, p. 96). امنیت شغلی یکی

۱۰. بر طبق بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی نیز دولت وظیفه پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه را برعهده دارد.

از شاخص‌ترین معیارها برای اشتغال در حوزه‌های مختلف است و طبیعتاً نقش مهمی در پیوستن یا عدم پیوستن افراد به یک شغل در جامعه دارد که هم از نظر روحی و هم از نظر اقتصادی اثرگذار است و هرگونه فقدان یا ضعف در آن، منجر به تضعیف سایر حقوق اشخاص نیز می‌شود (نبارزاده هنجی، ۱۴۰۲، ص. ۲۲۳). براین مبنا، امنیت شغلی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اجزاء حق اشتغال و به‌تبع آن، حق فعالیت هنری برشمرد می‌شود. در حوزه هنری اهمیت این موضوع دوچندان است؛ چراکه دولت‌ها با توجه به آثار هنر و فعالیت هنری در جامعه، در این حوزه دخالت می‌کنند و با اقداماتی نظیر منع اشتغال حرفه‌ای، اجازه فعالیت اشخاص را سلب و امنیت شغلی و اقتصادی آن‌ها را دچار خدشه می‌کنند. امنیت شغلی به‌صورت‌های مختلف در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی مورد تصریح قرار گرفته است؛ برای مثال، از عبارت «حمایت در برابر بیکاری» در ماده (۲۳) اعلامیه جهانی حقوق بشر و عبارت «اشتغال کامل» در ماده (۶) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ثبات و امنیت شغلی را می‌توان برداشت کرد. همچنین سازمان بین‌المللی کار در ماده (۲) توصیه‌نامه شماره (۱۱۹) مصوب ۱۹۶۳، ثبات و امنیت شغلی را تأکید و مورد تصریح قرار داده است.^{۱۲} در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «تعرض ناپذیری شغل افراد و به‌عبارتی امنیت شغلی» در اصل بیست‌ودوم مورد اشاره قرار گرفته است^{۱۳} و این موضوع، نمایانگر اهمیت، ارزش و جایگاه شغل افراد و امنیت آن در جامعه دارد. اگرچه قانون‌گذار اساسی اصل را بر تعرض ناپذیری قرار داده است؛ اما در موارد استثنائی به موجب قانون آن را موجه دانسته است. همچنین «عدم امکان سلب کسب‌وکار از دیگری با ادعای مالکیت بر کسب‌وکار خود» نیز که در اصل چهل‌وششم قانون اساسی^{۱۴} مقرر شده است، بر امنیت شغلی تأکید دارد. علاوه بر

۱۲. بدون علت موجه هیچ نوع اخراجی نباید انجام بشود. دلایل موجه و معتبر را قانون یا پیمان دسته‌جمعی کار مشخص می‌کند.

۱۳. حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

۱۴. هرکس مالک حاصل کسب‌وکار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به‌عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود امکان کسب‌وکار را از دیگری سلب کند.

قانون اساسی، مواردی از توجه به امنیت شغلی در قانون کار نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال، «عدم اثر هر نوع تغییر حقوقی در وضعیت مالکیت کارگاه نسبت به کارگرانی که قراردادهای قطعیت یافته است» در ماده (۱۲)^{۱۵} و «الزام به مشغول شدن کارگر در شغلی مشابه پس از برگشت از خدمت نظام وظیفه در صورت حذف شغل وی» در ماده (۱۹)^{۱۶} از جمله این موارد هستند؛ بنابراین، براساس موارد مذکور، مشاهده می‌شود که وجود امنیت شغلی، یکی از موضوعات اصلی در حق اشتغال است که باید در راستای تأمین آن حرکت شود و به‌ویژه در حوزه هنری، محترم شمرده شود و از اقداماتی نظیر منع اشتغال حرفه‌ای و تحدید امنیت شغلی هنرمندان پرهیز شود.

۳-۱-۱. برابری و عدم تبعیض

برابری و عدم تبعیض از جمله اصول بنیادین حقوقی است که دارای اشکال گوناگونی است؛ از جمله برابری سیاسی، برابری حقوقی و برابری اجتماعی (ویژه، ۱۳۸۳، صص. ۲۱۳-۲۱۵). در بیانی ساده و روشن، می‌توان این مفهوم را «برخورداری شهروندان از حقوق و تکالیف یکسان در شرایط مشابه» تعریف کرد. برابری و عدم تبعیض در اکثر اسناد بین‌المللی مورد توجه و تصریح قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده (۷)^{۱۷} خود بر این مفهوم تأکید کرده است. همچنین عبارت «حق هرکس در تمتع عادلانه و مساعد کار» در ماده (۷) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر برابری و عدم تبعیض

۱۵. هر نوع تغییر حقوقی در وضع مالکیت کارگاه، از قبیل فروش یا انتقال به هر شکل، تغییر نوع تولید، ادغام در مؤسسه دیگر، ملی‌شدن کارگاه، فوت مالک و امثال این‌ها، در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادهای قطعیت یافته است، مؤثر نمی‌باشد و کارفرمای جدید، قائم‌مقام تعهدات و حقوق کارفرمای سابق خواهد بود.

۱۶. در دوران خدمت نظام وظیفه، قرارداد کار به حالت تعلیق درمی‌آید، ولی کارگر باید حداکثر تا دو ماه پس از پایان خدمت به کار سابق خود برگردد و چنانچه شغل وی حذف شده باشد، در شغلی مشابه آن به کار مشغول می‌شود.

۱۷. همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و باالسنویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به‌طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

دلالت دارد. در اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر «حقوق مساوی مردم ایران و برخورداری آن‌ها از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی» تصریح شده است. همچنین در بند (۹) اصل سوم نیز بر «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» تأکید شده است؛ بنابراین، علاوه بر برخورداری از حق اشتغال، برابری و عدم وجود تبعیض در برخورداری از این حق را نیز می‌توان از جمله ضروریات اصلی و به‌عنوان یکی دیگر از اجزاء مهم حق فعالیت هنری برشمرد که تضمین آن توسط دولت، به‌ویژه درخصوص هنرمندان و در حوزه هنری از اهمیت بسیاری برخوردار است و از وظایف اصلی دولت محسوب می‌شود؛ چراکه ایجاد هرگونه محدودیت در برخورداری از حق فعالیت هنری با مواردی همچون منع اشتغال حرفه‌ای، در ایجاد خدشه بر برابری و عدم تبعیض هنرمندان نیز مؤثر است و امکان فعالیت در این حوزه از شخص گرفته می‌شود و اشخاص دیگر آزادانه می‌توانند به فعالیت بپردازند و از مزایای آن برخوردار شوند.

۲-۱. حق فعالیت هنری به‌مثابه آزادی بیان^{۱۸}

هنر، نوعی بیان است و فعالیت هنری هنرمند درواقع ابزاری برای بیان ایده‌ها و عقاید او است و برهمین‌اساس، این حق به‌مثابه آزادی بیان برشمرده می‌شود. آزادی بیان یکی از اساسی‌ترین حق‌های عمومی است که همواره مورد تأکید و در اسناد بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. ازجمله مواردی که این حق در اسناد بین‌المللی مطرح شده است عبارت‌اند از: ماده (۱۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۹} و بند (۲) ماده (۱۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.^{۲۰} آزادی بیان را از اصول مختلفی از قانون اساسی

18. Freedom of Expression

۱۹. هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون نگرانی از مداخله و مزاحمت و حق جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.

۲۰. هرکس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به‌صورت نوشته یا چاپ یا به‌صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود است.

جمهوری اسلامی ایران می‌توان برداشت کرد؛ برای مثال، در اصل بیست و چهارم قانون اساسی^{۲۱} بر آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب اشاره شده است و قید «عدم اخلال به مبانی اسلام و حقوق عمومی» به منظور استفاده از این آزادی، بیان شده است. اگرچه در این اصل صرفاً دو کلمه «نشریات» و «مطبوعات» استفاده شده است؛ اما در متعلق آن، می‌توان آثار هنری را نیز تحت شمول این اصل دانست؛ چنان‌که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی و هنگام بررسی این اصل، در ابتدا از کلمات «... سینما، تئاتر، رسانه‌های گروهی و ...» نیز استفاده شده بود؛ اما به هر ترتیب در نهایت دو کلمه «نشریات» و «مطبوعات» در این اصل به تصویب رسید و در تفسیری، می‌توان تمام بیان‌های شفاهی، کتبی، مجازی، صوتی و تصویری هنری را در دایره شمول این اصل قرار داد (آگاه، ۱۳۹۶، الف، صص. ۲۹۷-۲۹۸). در اصل بیست و پنجم،^{۲۲} قانون‌گذار اساسی بر ممنوعیت سانسور و هرگونه تجسس تأکید کرده است و صرفاً موارد مذکور را به موجب حکم قانون مجاز دانسته است. محتوای این اصل، قابل تسری به آثار هنری نیز است و می‌توان ممنوعیت سانسور آثار هنری و طبیعتاً، آزادی بیان هنری را از این اصل قانون اساسی برداشت کرد. علاوه بر این موارد، در اصل یکصد و هفتاد و پنجم^{۲۳} نیز بر تأمین آزادی بیان در سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است. براین اساس، آزادی بیان هنری یکی از مهم‌ترین اجزاء و لوازم حق فعالیت هنری است که توسط اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی بر آن تأکید شده است و دولت و حکومت موظف به تأمین آن هستند.

۲۱. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.

۲۲. بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

۲۳. در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

۳-۱. حق فعالیت هنری به‌مثابه حق بر آموزش

در کنار حق اشتغال و آزادی بیان، حق فعالیت هنری را می‌توان به‌مثابه حق بر آموزش برشمرد. آزادی آموزش از جمله حقوق و آزادی‌های ضروری و مهم برای یک جامعه است که بی‌تردید، نقشی غیرقابل انکار در توسعه جامعه دارد و تأکید بر تأمین آن توسط دولت‌ها در اسناد بین‌المللی و قوانین و مقررات داخلی کشورها بیانگر اهمیت و نقش آن است. این حق، به‌طور ویژه درخصوص هنر به جهت نقش آن در پیشرفت جامعه، فرهنگ‌سازی درخصوص احترام به حقوق و آزادی‌ها، یادگیری، مهارت‌آموزی و ... دارای اهمیت است و هرگونه اخلاف در آن، موجبات زیان به جامعه و فرهنگ یک کشور را فراهم می‌کند. ماده (۲۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۲۴} و ماده (۱۳) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۲۵} از جمله مهم‌ترین اسناد بین‌المللی هستند که بر آزادی آموزش تأکید و آن را مورد شناسایی قرار داده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند (۳) اصل سوم، اصل سی‌ام و بند (۱) اصل چهل‌وسوم با تأکید بر فراهم آوردن «امکانات آموزش و پرورش برای همه توسط دولت»، این حق را مورد توجه قرار داده است. حق بر آموزش هنر ارتباط نزدیکی با انتخاب آزادانه شغل و آزادی بیان دارد و هرگونه ایجاد محدودیت‌های مضاعف و سخت‌گیرانه در موارد مذکور، منجر به بی‌رغبتی نسبت به هنر و رکود این صنعت می‌شود (آگاه، ۱۳۹۶، الف، ص. ۳۰۹).

۲۴. «۱. هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود ...»، «۲. آموزش و پرورش باید به‌طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشری را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید».

۲۵. «۱. کشورهای طرف این میثاق حق هرکس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند. کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد...».

۴-۱. حق فعالیت هنری به مثابه حق مشارکت فرهنگی

فعالیت هنری را با توجه به ماهیت آن می‌توان به مثابه مصداقی از حق مشارکت فرهنگی قلمداد کرد که جزو نسل سوم حقوق بشر موسوم به حقوق همبستگی و جمعی است و براساس تقسیم‌بندی هوفلد نوعی حق - آزادی و یا حق - امتیاز محسوب می‌شود؛ چراکه این حق به انسان‌ها اختیار می‌دهد که در فرصت برابر و بدون تبعیض مقصود و ایده‌های خود را آزادانه بیان کنند، آثارشان را به هر زبانی که تمایل دارند ارائه و نشر دهند و فرهنگ مورد علاقه خویش را در پیش گیرند (بکرایبی و حبیبی مجنده، ۱۴۰۲، ص. ۹۰). حق مشارکت فرهنگی در بند (۱) ماده (۲۷) اعلامیه جهانی حقوق بشر،^{۲۶} ماده (۱۵) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۲۷} و ماده (۵) اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی اشاره و مورد پذیرش قرار گرفته است. مؤلفه‌های این حق عبارت‌اند از: برابری و نفی تبعیض، نفی مداخله دولت،^{۲۸} آزادی انتخاب فرهنگ و آزادی همکاری‌های بین‌المللی (بکرایبی و حبیبی مجنده، ۱۴۰۲: ۹۷-۹۸). با توجه به این موضوع که هنر و کار هنری مصداقی از فعالیت فرهنگی برشمرده می‌شود و فرهنگ به‌عنوان یک فرایند زنده تاریخی، پویا و توسعه‌پذیر دارای حال، گذشته و آینده است (دانش‌ناری و حبیب‌نژاد، ۱۴۰۴، ص. ۶۹)، دسترسی به فعالیت هنری و آزادی هنر و اشتغال و فعالیت در تئاتر، سینما، موسیقی و مانند این‌ها به‌منظور بیان نظرها و ایده‌ها را می‌توان مصداقی از حق مشارکت فرهنگی محسوب کرد؛ چنان‌که براساس ماده (۵) اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی «تمامی افراد حق بر مشارکت در حیات فرهنگی به انتخاب خود و هدایت فعالیت‌های فرهنگی خود را دارند و باید حقوق بشر و آزادی‌های بنیادینشان رعایت شود»؛ بنابراین، می‌بایست از انجام اقداماتی که به مؤلفه‌های این حق از جمله برابری و نفی تبعیض و نفی مداخله دولت، آسیب می‌زند (مانند

۲۶. هرکس حق دارد در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

۲۷. حق هرکس به مشارکت در حیات فرهنگی.

۲۸. به معنای اینکه دولت از اقداماتی همچون اعمال سانسور، ممنوعیت انتشار، منع اشتغال حرفه‌ای و مانند این‌ها پرهیز کند.

تصمیماتی همچون منع اشتغال حرفه‌ای افراد)، خودداری کرد و در راه تضمین این حق حرکت کرد؛ چراکه هرگونه آسیب به این حق، با توجه به نقش و جایگاه ویژه فرهنگ و هنر در جامعه، منجر به تبعیض، بی‌عدالتی، تضاد و تفرقه می‌شود.

۲. تحلیل تحدید حق اشتغال هنری به استناد نظم عمومی

یکی از توجیحات محدودسازی حق اشتغال هنری، تعارض و یا تناقض فعالیت هنری با نظم عمومی و مصادیق آن است. پس از آشنایی با مبانی حق اشتغال هنری، در این بخش به تحلیل تحدید حق اشتغال هنری به استناد نظم عمومی پرداخته می‌شود.

۲-۱. مفهوم و مصادیق نظم عمومی^{۲۹} و جایگاه هنر

برخورداری از حقوق و آزادی‌های عمومی از جمله سرمایه‌های مهم هر انسانی در طی دوران حیات خویش است که به جهت حضور در اجتماع و زندگی جمعی، در مواردی ناگزیر با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود. یکی از مهم‌ترین مفاهیم در تحدید حقوق و آزادی‌های عمومی هم از جنبه داخلی و هم از جنبه بین‌المللی، «نظم عمومی» است. از این رو، به سبب اهمیت آن، در این بند مفهوم و مصادیق نظم عمومی و جایگاه هنر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصطلاح «نظم عمومی» در متون قانونی برای نخستین بار در فرانسه و در مقدمه طرح سوم قانون مدنی که در سال چهارم انقلاب فرانسه تهیه شد،^{۳۰} به کار رفته است (چلبی و دیگران، ۱۳۹۶، ص. ۹۳). در تعریف این مفهوم چالش‌های فراوانی وجود دارد و نظرهای مختلفی درخصوص آن بیان شده است؛ اما آنچه که مورد پذیرش اکثریت حقوق‌دانان قرار گرفته است این موضوع است که ارائه یک تعریف واحد و بدون ابهام از این مفهوم، کار بسیار دشواری است. «مجموعه نهادها و قواعد حقوقی تضمین‌کننده اشخاص و اموال» از جمله تعاریف مطرح شده درخصوص نظم عمومی است (De Villiers, 1999, p. 155)

29. Public Order

۳۰. اراده افراد برای انعقاد قرارداد آزاد است؛ اما به وسیله نظم عمومی و نظم اخلاقی محدود خواهد شد.

و در یک نگرش کلی‌تر، این مفهوم، به‌عنوان «امر مهمی که جوهرهٔ جامعه و حقوق به آن وابسته است» تعریف شده است (گرگی/زندریانی، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۷). نظم عمومی را در حقوق عمومی می‌توان به منزلهٔ علایق مشترک، منافع و ارزش‌های عمومی پذیرفته‌شده بین مردم و دولت دانست که دولت باید این علایق را شناسایی و رصد کند و در قالب نظم حقوقی به اجرای آن‌ها مبادرت ورزد (رحمت‌اللهی و آقامحمدآقایی، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۹). براین اساس، می‌توان گفت در حقوق عمومی، نظم عمومی بر دو مفهوم «علایق و منافع عمومی»^{۳۱} و «ارزش‌های عمومی»^{۳۲} تکیه دارد و همین موضوع نمایانگر ثابت‌نبودن این مفهوم و نسبی بودن آن است. نظم عمومی واجد مؤلفه‌هایی مثل امنیت عمومی، بهداشت عمومی، آسایش عمومی و اخلاق حسنه است. امنیت عمومی «رهایی از مواردی همچون ترس، تهدید، خطر، زور و حمله» (Kempen, 2013, p. 1)، بهداشت عمومی «مجموعه‌ای از وضعیت‌های مطلوب فیزیکی، روحی و اجتماعی» (جلالی و کامیاب، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۲)، آسایش عمومی «داشتن یک فضای خصوصی به جهت آرامش و امنیت روحی» و اخلاق حسنه را «قواعدی که رعایت آن در زمان و مکان معین توسط اکثریت جامعه الزامی برشمرده می‌شود و عدم رعایت آن، وجدان جمعی و فردی را خدشه‌دار می‌کند و به‌عبارتی، حداقل‌های اخلاقی پذیرفته‌شده توسط جامعه که به‌راحتی نمی‌توان در مقابل آن ایستادگی کرد و بخشی از نقص قانون در بیان اصول و قواعد حقوقی را جبران می‌کند» می‌توان تعریف کرد (شهبازی و شهیدی، ۱۳۹۷، ص. ۵۲۱). ویژگی مشترک این مؤلفه‌ها، تفسیرپذیری آن‌ها و عدم ارائهٔ یک تعریف جامع درخصوص آن‌ها است که می‌تواند عاملی در جهت تحدید و تضییع بی‌رویهٔ حقوق و آزادی‌های عمومی باشد.

۲-۲. نقش فعالیت هنری در نظم عمومی؛ ناقض یا تحکیم‌کننده؟

بی‌تردید این موضوع آشکار و روشن است که هنر از سال‌های بسیار دور در زندگی انسان‌ها حضور داشته است؛ چنان‌که از نقاشی‌های انسان غارنشین و تصاویری که از دورهٔ پارینه سنگی برجای مانده است، به‌عنوان اولین آثار هنری یاد می‌شود (آگاه، ۱۳۹۶، ب.

31. Public Interest

32. Public Values

ص. ۱۵). از هنر نیز تعاریف گوناگونی بیان شده است. در یک تعریف، هنر «آفرینش صورت‌های نمادین احساس آدمی» است (اسلامی و گل‌ریحان، ۱۳۸۹، ص. ۳). توانایی و مهارت در خلق زیبایی و موارد دیگری مانند این‌ها نیز از دیگر تعاریف مطرح‌شده در خصوص هنر است. هنر و هنرمند نقش بسیار مهمی در طول تاریخ و در جوامع بشری ایفاء کردند و یکی از وسایل مهم پیشرفت بشریت و تکامل روند اجتماعی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان واقعیت‌های زندگی و جامعه را به تصویر کشید، به کمبودها و مشکلات اعتراض کرد، انسان‌ها را از جهالت‌های داد، در راستای اعتلای اندیشه‌ها تلاش کرد، مؤلفه‌های فکری و اعتقادی ملت را شناخت (موسوی‌گیلانی، ۱۳۸۶، ص. ۱۳) و موارد بسیار دیگری مانند این‌ها؛ چراکه هنر زاینده اجتماع است و اساسی‌ترین نقش را در تاریخ تحولات انسان دارد و به‌عنوان حافظه جمعی یک جامعه شناخته می‌شود که فراتر از زمان و مکان است. اولافور الیسون^{۳۳}، هنرمند دانمارکی معتقد است که «هنر به هم‌ذات‌پنداری با یکدیگر و گسترش تصور ما از ما از حوزه محلی به جهانی» کمک می‌کند (حریری، ۱۴۰۲، ص. ۲۶) و به عبارتی، پیونددهنده آدمیان با یکدیگر با هر ملیت و نژادی است. هنر در نقش یک روان‌کاو اجتماعی، در حکم یک زبان و پل ارتباطی انسان‌ها با واقعیت‌ها، می‌تواند عقده‌ها و دردهای یک جامعه را التیام بخشد، در راه توسعه فرهنگی یک جامعه حرکت کند و نه تنها موجب تفرقه نشود بلکه در مسیر ایجاد اتحاد و نزدیکی و به‌ویژه افزایش آگاهی مردم یک جامعه حرکت کند؛ چراکه هنر دارای اشکال مختلفی از جمله موسیقی، سینما، تئاتر و ... است و این ظرفیت در آن وجود دارد که حتی برای افراد بی‌سواد جامعه نیز مؤثر باشد و از طریق آن، میزان آگاهی جامعه در خصوص مسائل مختلف، به‌ویژه آشنایی با حقوق و آزادی‌های عمومی را افزایش داد. علاوه بر موارد مذکور، هنر برای نشان دادن تغییرات اجتماعی براساس ذائقه مردم و همچنین مبارزه با مسائل مختلفی از جمله تبعیض، خشونت و مانند این‌ها نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. براین‌اساس و با توجه به موارد مذکور، بی‌راه نیست اگر هنر و هنرمند را دارای ارتباط مستقیمی با مفهوم نظم عمومی و مصادیق آن دانست و نه تنها آن‌ها را برخلاف این مصادیق بلکه

33. Olafur Ellison

به‌عنوان تحکیم‌کننده آن‌ها نیز برشمرده؛ چراکه از طریق هنر و هنرمند می‌توان در راستای تأمین نظم عمومی و فرهنگ‌سازی درخصوص مصادیق آن، به‌ویژه امنیت عمومی، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه حرکت کرد و در قالب آثار هنری، اقدام به آگاه‌سازی و آشنایی شهروندان درخصوص موارد مذکور کرد. این امر مستلزم آن است که حقوق و آزادی‌های هنر و هنرمند در اجتماع مانند «حق فعالیت هنری و به‌تبع آن، انتخاب آزادانه شغل، امنیت شغلی، برابری و عدم تبعیض، آزادی بیان و آزادی آموزش و مشارکت فرهنگی» محترم شمرده شود و پیوسته با تفاسیر حداکثری از مفاهیم و مصادیق نظم عمومی در مسیر تحدید حقوق و آزادی‌های عمومی با اقداماتی نظیر منع اشتغال حرفه‌ای، سانسور و مانند این‌ها حرکت نشود؛ چراکه یکی از اصول اساسی در تفسیر، حفاظت از حقوق و آزادی‌های عمومی است و مفسر نباید در مقام تفسیر زمینه تضييع و تضییق آن‌ها را فراهم کند (بابایی‌مهر، ۱۳۸۱، صص. ۱۸۷-۱۸۸) بلکه می‌بایست با استفاده از ابزار تفسیر، نظام حقوقی به عدالت و اخلاق نزدیک‌تر شود (جعفری‌تبار، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۲). بدین‌منظور، یکی از اقدامات مهم در این زمینه، کنترل تفسیرپذیری مصادیق نظم عمومی با بهره‌گیری از آموزه‌های دکترین حاشیة صلاحید است که در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۳. کنترل تفسیرپذیری مصادیق نظم عمومی از طریق دکترین حاشیة صلاحید^{۳۴}

پیشتر به مفهوم و مصادیق نظم عمومی پرداخته شد و به این نکته اشاره شد که نظم عمومی مبتنی بر علایق و منافع عمومی و ارزش‌های عمومی است که طبیعتاً همواره و در هر زمان ثابت نیست و مفهومی سیال و نسبی است. علاوه‌براین، مصادیق این مفهوم نیز از تعریف واحد و جامعی برخوردار نیستند و قابلیت تفسیرپذیری دارند که این موضوع، می‌تواند منشأ و سرآغاز اختلافات بین دولت و شهروندان شود و اعمال تفاسیر حداکثری از این مفاهیم و مصادیق، دست‌مایه دولت برای اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های

34. Margin of Appreciation Doctrine

عمومی شهروندان شود؛ البته این موضوع که اعمال حقوق و آزادی‌های عمومی با محدودیت‌هایی در عمل مواجه است، مورد پذیرش است و در اسناد بین‌المللی نیز بر آن تأکید شده است^{۳۵}؛ چراکه اعمال حقوق و آزادی‌های عمومی به صورت مطلق می‌تواند منجر به نقض حقوق دیگران شود و از این منظر، به منظور حفاظت و بقاء آن‌ها، در مواردی با محدودیت همراه می‌شود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص. ۴۰)؛ بنابراین، می‌توان گفت که مفهوم نظم عمومی از جمله مفاهیمی است که منجر به ایجاد چالش و دغدغه‌های مشترک بین یک حکومت و شهروندان می‌شود؛ چراکه هر حکومتی برای بقاء خود نیازمند برقراری نظم است که از ضروریات اصلی و آشکار است و این موضوع در تضییع، تحدید و انکار حقوق و آزادی‌های شهروندان اثرگذار است و استناد بی‌ضابطه و مکرر به این مفهوم به منظور تحدید بی‌رویه حقوق و آزادی‌های عمومی، خود منجر به استبداد می‌شود. براین اساس، «دکترین حاشیه صلاحدید»^{۳۶} به منظور ایجاد توازن و تعادل بین حق‌ها و مصالح عمومی و به ویژه نظم عمومی مطرح شده است. اصطلاح حاشیه صلاحدید برای اولین بار در گزارش کمیسیون حقوق بشر اروپا در سال ۱۹۵۸ و در دعوای قبرس علیه بریتانیا به کار رفت و از آن زمان، در موارد بسیار دیگری نیز استفاده و مورد تأکید قرار داده شده است (Greer, 2000, p. 5) و علاوه بر دیوان اروپایی حقوق بشر، سایر مراجع قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نیز آن را استفاده می‌نمایند. مبنای این اصطلاح، تفویض اختیار به دولت‌ها به منظور ایجاد یک تعادل در برخورداری افراد از حقوق و آزادی‌های عمومی و حفظ منافع و مصالح عمومی است و به عبارتی، هر دولت به جهت تنوع شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارای میزانی آزادی عمل برای حل و فصل تعارضات بین حقوق و آزادی‌ها و منافع جامعه است (عبیدی و زمانی، ۱۳۹۶، ص. ۶۵). آنچه که

۳۵. برای مثال در بند (۳) ماده (۱۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر شده است که اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده (آزادی بیان) مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است و ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد:

الف. احترام حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب. حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.

۳۶. در کنار این اصطلاح، از «حاشیه انعطاف»، «حاشیه ارزیابی» و «حاشیه تفسیر» نیز در برخی پژوهش‌ها استفاده می‌شود.

درخصوص حاشیة صلاحدید دارای اهمیت است، عدم آزادی عمل دولت در این خصوص به صورت مطلق است؛ چراکه پیش‌بینی آزادی عمل مطلق برای دولت در این خصوص نتیجه‌ای جز نقض حقوق و آزادی‌های عمومی ندارد و دولت‌ها به راحتی می‌توانند هر مسئله و موضوعی را در چهارچوب مفاهیمی همچون امنیت ملی و نظم عمومی قرار دهند و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی غیرمنطقی برای شهروندان به وجود آورند. براین اساس، در موضوعات مختلف، اصل، رعایت حقوق و آزادی‌های عمومی توسط دولت‌ها است و استناد به حاشیة صلاحدید باید استثنائی باشد و این‌گونه نباشد که با استناد به این مفهوم، در هر موضوعی دولت‌ها محدودیت ایجاد کنند. «تجویز قانونی، ضرورت‌های یک جامعه مردم‌سالارانه، اهداف مشروع عینی و اصل تناسب» از جمله شرایطی است که دولت‌ها می‌بایست در استناد به این مفهوم رعایت کنند^{۳۷} که در ادامه بررسی می‌شوند.

۳-۱. تجویز قانونی

براساس این شرط، تجویز قانون‌گذار و وجود صلاحیت قانونی برای تحدید آزادی‌های عمومی و به‌طورخاص ایجاد محدودیت در آزادی فعالیت هنری، هرچند به صورت استثنائی ضرورت دارد. دولت و نهادهای داخلی برای ایجاد محدودیت ابتدا باید مقید بر قانون^{۳۸} و مقررات موضوعه باشند تا از اعمال صلاحدید موسع و قدرت غیرقابل کنترل آن‌ها جلوگیری شود. این نکته نیز لازم به ذکر است که یکی از اصول اساسی در وضع قانون، مراقبت و احتیاط از منافع و آزادی‌هایی است که در تصمیم‌گیری‌های واضعان قانون در معرض خطر قرار می‌گیرند و ممکن است محدودیت‌های بی‌رحمانه و دشواری‌های ظالمانه‌ای را بر مردم تحمیل کند (والدرون، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۳). براین اساس، پیش‌بینی قدرت بدون حد و مرز به منظور ایجاد محدودیت به بهانه حفاظت از مفاهیمی همچون نظم عمومی و مانند این‌ها غیرقابل پذیرش است. از باب نظارت اداری در قوانین و مقررات داخلی و مشخصاً بند (۱۹) و (۲۰) ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت

37. https://www.coe.int/t/dghl/cooperation/lisbonnetwork/themis/echr/paper2_en.asp

۳۸. قواعد و مقررات حقوقی می‌بایست در دسترس شهروندان باشد تا بتوانند آثار حقوقی فعالیت‌های خود را پیش‌بینی کنند. براین اساس، رعایت اصل «قطعیت قانون» در این موضوع بسیار قابل اهمیت است.

فرهنگ و ارشاد اسلامی بر صلاحیت این وزارتخانه در «نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی، هنری، تبلیغاتی اقلیت‌های دینی و مذهبی شناخته‌شده در قانون اساسی» و «صدور اجازه ورود و خروج آثار سمعی و بصری، آثار هنری، مطبوعات و نشریات و کلیه مواد تبلیغی و فرهنگی مشکوک که تعیین موارد مشکوک از غیرمشکوک طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید» تصریح شده است. هرچند صریحاً صلاحیت منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان مقرر نشده؛ اما وزارت فرهنگ و ارشاد با تفسیر نظارت مذکور و صلاحیت صدور مجوز، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان را جزو صلاحیت‌های خود دانسته است؛ چنان‌که هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در دادنامه شماره ۶۹۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ بر صلاحیت وزارت فرهنگ و ارشاد و عدم صلاحیت قانونی وزارت اطلاعات در محرومیت افراد از فعالیت هنری تأکید کرده است و در عمل نیز مصادیق مختلفی از این اقدام رخ داده است؛ برای مثال، در سال ۱۴۰۲ با اعلام رسمی معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی، تعدادی از بانوان بازیگر به دلیل کشف حجاب از فعالیت هنری منع شدند.^{۳۹} این در حالی است که نه در بندهای مذکور و نه در هیچ منبع قانونی دیگر^{۴۰} بر نظام مجوزدهی شخص هنرمندان - سوای آثارشان - تصریح نشده است (آگاه، ۱۳۹۹، ص. ۱۰۱).

گذشته از نظارت اداری، در حوزه قضایی و در بند «پ» ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی بر «منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین» به عنوان یکی از مجازات‌های تکمیلی اشاره شده؛ اما نکته حائز اهمیت امکان اعمال آن صرفاً توسط مرجع ذیصلاح قضایی است و به هیچ وجه، هیچ مرجع دیگری صلاحیت منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان را ندارد؛ برای مثال، یکی از بانوان بازیگر سینما در سال ۱۴۰۲ به اتهام «کشف حجاب و جریحه‌دار نمودن اخلاق و عفت عمومی از طریق انتشار تصاویر در فضای مجازی با وصف کشف حجاب و برداشتن پوشش شرعی و قانونی برخلاف هنجارها و ارزش‌های دینی و ملی» با دستور دادستان تهران و پس از تحقیقات و دستور صدور قرار جلب،

39. <https://www.tabnak.ir/0052KP>

۴۰. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مقاله: «بدون تاریخ، بدون امضا: حکایت ممنوع‌الکاری اداری/قضایی هنرمندان در حقوق ایران» به قلم دکتر وحید آگاه.

محکوم به تحمل ۱۰ ماه حبس در زندان سمنان، دو سال ممنوعیت فعالیت در فضای مجازی، خلاصه کردن یک کتاب در یک ماه و ممنوع الخروجی و ممنوع فعالیت بودن به مدت دو سال و ضبط سیم کارت و تلفن همراه شد که در سال ۱۴۰۳ از اتهامات وارده تبرئه شد^{۴۱}. آنچه که در این پرونده علاوه بر استناد به رفتار خلاف اخلاق عمومی و ارزش های دینی و ملی به عنوان مؤلفه های نظم عمومی برای صدور حکم بر منع اشتغال حرفه ای این هنرمند حائز اهمیت است، تجویز قانونی و اعمال آن توسط مرجع صلاحیت دار قضایی است. علاوه بر موارد مذکور، موضوع قابل اهمیت دیگر عدم احتساب منع اشتغال هنری به عنوان مجازات اجتماعی موضوع ماده (۲۶) قانون مجازات اسلامی است و مرجع قضایی نمی تواند هنرمندی را با استناد به ماده فوق از فعالیت هنری منع کند.

۳-۲. ضرورت های یک جامعه مردم سالار

یکی دیگر از شرایط استناد به دکترین حاشیه صلاحید، احراز ضرورت های یک جامعه مردم سالار است. بدین معنا که ایجاد محدودیت بر حقوق و آزادی های عمومی توسط دولت می بایست برای حفظ نظام مردم سالارانه ضرورت داشته باشد (عبدی و زمانی، ۱۳۹۶، ص. ۷۱) و به عبارتی، «نیاز جامعه»، در وضع محدودیت باشد. با این شرایط، واضح است که عملاً اقدام به منع اشتغال حرفه ای هنرمندان که در دوره های مختلف رخ داده است، به عنوان ضرورتی برای حفظ نظام مردم سالارانه بر شمرده نمی شود و چه بسا در افکار عمومی جامعه تأثیری معکوس داشته باشد؛ برای مثال، می توان به بازداشت خواننده پاپ و مسدود شدن صفحه اینستاگرام وی در ابتدای سال ۱۴۰۴ به دلیل انتشار کلیپی از کنسرت وی در فضای مجازی اشاره کرد که موجی از واکنش ها را در افکار عمومی جامعه در پی داشت^{۴۲}؛ چراکه هنرمند و کار هنری از جایگاه ویژه ای بین مردم برخوردار است و هرگونه اقدام در این زمینه، در نگاه و نظر مردم در خصوص دولت اثرگذار است. همچنین پذیرش تکثر و فعالیت های هنری متنوع، خود نشانی از یک جامعه مردم سالار

41. <https://donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-4113873>

42. <https://tn.ai/3282281>

است و محدودسازی آن و ممنوعیت فعالیت هنری هنرمندان قاعدتاً ضرورت یک جامعه مردم‌سالار نیست.

۳-۳. اهداف مشروع عینی

از دیگر شرایط اعمال دکترین حاشیة صلاحید دارا بودن اهداف مشروع عینی در تحدید آزادی‌ها است؛ به صورتی که می‌بایست محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق و آزادی‌های عمومی به منظور حفظ نظم، اخلاق و بهداشت عمومی و حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد (عبی و زمانی، ۱۳۹۶، ص. ۱۷۴). به عبارت دیگر ضرورت دارد که در پس منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان، هدف مشروع عینی وجود داشته باشد و در شرایط معمول، توجیهاتی ذهنی و انتزاعی مثل حفاظت از نظم عمومی، اخلاق و ...، هدف مشروع عینی تلقی نمی‌شوند. پس لازم است که به این پرسش‌ها پاسخ عینی داده شود که آیا منع اشتغال حرفه‌ای هنرمند تأثیری در حفظ نظم عمومی جامعه دارد؟ و آیا اقدام مذکور توانایی اثرگذاری مثبت در جهت حفاظت از نظم عمومی جامعه را دارا است؟ به عنوان مثال، جلوگیری از برگزاری کنسرت‌های خوانندگان و انتشار آثار آنان به بهانه‌هایی همچون ممنوعیت فعالیت هنری می‌بایست یکی از اهداف مشروع عینی را تأمین کند. در طی سالیان اخیر مواردی مشاهده شده است که علی‌رغم فروش بلیط و حضور مردم در سالن برگزاری کنسرت، اجازه حضور خواننده به دلیل ممنوعیت فعالیت صادر نشده است و این موضوع علاوه بر اینکه منجر به تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی زیادی به مخاطبان و نارضایتی آنان شده است،^{۴۳} مرز میان دخالت و نظارت به عنوان دو رویکرد متفاوت در نظام صدور مجوز کنسرت (آگاه، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۷) را نیز مبهم و نامشخص کرده است. به نظر می‌رسد منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان نه تنها در حفاظت از نظم عمومی جامعه مؤثر نبوده بلکه موجب برانگیخته شدن افکار و احساسات عمومی جامعه می‌گردد و این موضوع خود گواه عدم تأثیر مثبت این اقدام است. براین مبنا، نمی‌توان صرف ادعای حفاظت از نظم عمومی، اخلاق و مانند این‌ها را به عنوان یک هدف مشروع عینی برشمرد و

43. <https://7sobh.com/fa/tiny/news-587941>

برخی ذهنیت‌ها و فرض‌های غلط نمی‌تواند هدف عینی مشروعی تلقی شود.

۳-۴. اصل تناسب

تحول در مفهوم و کارکرد دولت و گسترش صلاحیت‌ها و اقتدارات آن، عملاً امکان سوءاستفاده و تضییع حقوق شهروندان را فراهم می‌کند؛ بنابراین، می‌بایست با استفاده از اصول و قواعد حقوقی در جهت مهار اقتدار دولت حرکت شود. یکی از مهم‌ترین اصول حقوقی در این زمینه، اصل تناسب است. این اصل بر وجود تناسب میان هدف و ابزار مورد استفاده برای دستیابی به آن هدف تأکید می‌کند (زارعی و مرادی برلیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۹). اصل تناسب این امکان را فراهم می‌کند تا با ارزیابی منافع و هزینه‌ها، مناسب یا نامناسب بودن تصمیمات شناسایی شود و در صورتی که هزینه‌های یک تصمیم از منافع آن بیشتر باشد، در جهت عدم اعمال آن تصمیم یا نقض آن حرکت شود. رعایت این اصل به‌ویژه در خصوص منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان به استناد حفظ امنیت ملی، نظم عمومی و یا اخلاق عمومی دارای اهمیت است؛ چراکه با استناد به این مفاهیم، هنرمند به دلیل انجام یک رفتار یا بیان یک سخن، از حق فعالیت هنری خود محروم می‌شود و عملاً از نظر اقتصادی نیز برای او محدودیت‌هایی به همراه دارد؛ بنابراین، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمند ابزار مناسبی برای دستیابی به اهدافی همچون حفاظت از نظم عمومی و موارد دیگری از این قبیل نیست؛ چراکه هنرمند و کار هنری، خود به‌عنوان ابزار تأثیرگذار بر جامعه می‌تواند در راستای اهداف فوق مؤثر باشد؛ البته این موضوع، نافی مجازات هنرمند در صورت انجام عمل مجرمانه نیست و پرواضح است که در صورت اعمال عمل مجرمانه توسط آن‌ها، باید براساس اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها^{۴۴} در دادگاه صالح به پرونده رسیدگی شود و حکم مقتضی صادر شود.

۴۴. اصل سی‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

نتیجه‌گیری

این موضوع آشکار و روشن است که دولت‌ها به‌منظور برقراری و حفظ نظم عمومی، امنیت ملی، اخلاق عمومی و ... اقدام به ایجاد محدودیت در برخی از حقوق و آزادی‌های عمومی می‌کنند؛ اما نکته مهم در این مسئله براساس دکترین حاشیه صلاحیت، استثنائی بودن ایجاد محدودیت و لزوم رعایت «تجویز قانونی، ضرورت‌های یک جامعه مردم‌سالار، اهداف مشروع عینی و اصل تناسب» در آن است. منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان در کشور ما موضوعی مسبوق به سابقه است و همواره در دوره‌های مختلف وجود داشته است. یکی از مهم‌ترین دلایل و استنادات در انجام این عمل، حفاظت از نظم عمومی جامعه بیان شده است. نظم عمومی مفهومی سیال و تغییرپذیر است و مبتنی بر علایق و منافع عمومی و ارزش‌های عمومی است. مصادیق این مفهوم نیز دارای تعریف واحد و مشخصی نیستند و این موضوع نیز می‌تواند باعث بروز تعارض بین حقوق و آزادی‌های عمومی و این مصادیق بشود و دولت با استناد به آن‌ها، اقدام به منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان کند. هنرمندان نیز به‌تبع سایر افراد، از حق اشتغال در جامعه برخوردارند که براساس اصل بیست‌و‌هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است شرایط مناسب برای اشتغال آن‌ها را فراهم آورد. به تبعیت از حق اشتغال هنری، هنرمندان در جامعه حقوق دیگری از جمله انتخاب آزادانه شغل، امنیت شغلی، برابری و عدم تبعیض، آزادی بیان، آزادی آموزش و مشارکت فرهنگی را نیز دارا هستند و هرگونه ایجاد محدودیت در حق اشتغال هنری، در موارد مذکور نیز مؤثر است و منجر به ایجاد محدودیت مضاعف می‌شود. با توجه به این موضوع که هنرمندان در یک جامعه دارای جایگاه ویژه‌ای هستند، می‌توانند با هنر خود، در موضوعات مختلفی مانند افزایش آگاهی مردم و آشنایی با حقوق و آزادی‌ها مؤثر باشند و همچنین، به‌عنوان زبان گویای جامعه، از دردها و مشکلات آن‌ها سخن گویند و انتقادات را در قالب آثار هنری بیان کنند؛ بنابراین، تحدید حق اشتغال هنری آن‌ها با اقدامی نظیر منع اشتغال حرفه‌ای و به استناد مفهومی همچون نظم عمومی به‌دلیل انجام یک رفتار یا بیان یک سخن، در موارد مذکور نیز اثر منفی دارد و در برخورداری جامعه از مزایای هنر، مؤثر است. به‌تبع منع اشتغال

حرفه‌ای هنرمند، مشکلات مختلفی از جمله اقتصادی، روحی و حتی جسمانی ممکن است برای او به وجود بیاید و این موضوع با هدف اصلی ایجاد محدودیت که حفظ نظم عمومی جامعه بیان می‌شود، کاملاً در تعارض است و چه بسا این اقدامات منجر به خروج و مهاجرت وی از کشور شود و این موضوع، بر حوزه فرهنگ و هنر آسیب برساند؛ چراکه کشور یکی از سرمایه‌های خود را که در همین سرزمین شروع به فعالیت کرده و از آن حمایت شده است، با مداخله غیرضروری و نامناسب از دست می‌دهد. از سوی دیگر، منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان با ارکان و شرایط دکتترین حاشیه صلاحیت نیز مغایرت دارد. از این رو، توجه ویژه به شرایط و ضوابط اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های عمومی براساس دکتترین حاشیه صلاحیت از سوی دولت‌ها ضروری است و شایسته است در رسیدگی‌های قضایی نیز به ضوابط مذکور توجه شده و مورد ارزیابی قرار گیرد. براین اساس، با توجه به موارد مطرح شده در این پژوهش، پیشنهاد می‌شود که رویه منع اشتغال حرفه‌ای هنرمندان متوقف شود تا بتوانند با ساخت آثار هنری درخور، به جامعه و فرهنگ خود کمک کنند و گامی در جهت توسعه آن بردارند.

منابع

- آگاه، وحید (۱۳۹۶). امکان‌سنجی افاده نظام صدور مجوز آثار هنری از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال ۲۰، شماره ۷، صص ۲۹۳-۳۱۷.
- آگاه، وحید (۱۳۹۶). موضوع‌شناسی حقوق هنر: درآمدی بر آثار هنری، *فصلنامه علوم خبری*، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۱۱-۳۲.
- آگاه، وحید (۱۳۹۷). تحلیل نظام صدور مجوز اجراهای صحنه‌ای موسیقی و نظارت بر آن در ایران، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال ۲۰، شماره ۵۹، صص ۱۳۷-۱۶۰.
- آگاه، وحید (۱۳۹۹). بدون تاریخ، بدون امضا: حکایت ممنوع‌الکاری اداری / قضایی هنرمندان در حقوق ایران، *فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال ۲، شماره ۳، صص ۹۳-۱۱۷.
- اسلامی، رضا و گل‌ریحان، نسرین (۱۳۸۹). حمایت از آزادی هنر در نظام بین‌المللی حقوق

- بشر، *دوفصلنامه حقوق اساسی*، سال ۷، شماره ۱۴، صص ۱-۲۶.
- اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸.
- اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی مصوب ۲۰۰۱.
- اعلامیه حقوق بشر اسلامی مصوب ۱۹۹۰.
- بابایی مهر، علی (۱۳۸۸). تفسیر، اصول و مبانی آن در حقوق عمومی، *دوفصلنامه حقوق خصوصی*، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۱۶۷-۱۹۶.
- بکرایی، سیف و حبیبی مجنده، محمد (۱۴۰۲). مفهوم و جایگاه حق مشارکت در حیات فرهنگی از منظر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق ایران، *فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال ۵، شماره ۱۴، صص ۸۹-۱۱۹.
- جعفری‌تبار، حسن (۱۳۸۸). *فلسفه تفسیری حقوق*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- جلالی، محمد و کامیاب، میثا (۱۳۹۴). پلیس اداری، قالبی مفهومی برای تأمین نظم عمومی: مطالعه مفهوم نظم عمومی در حقوق فرانسه، *فصلنامه حقوق اداری*، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۳۷-۱۶۴.
- چلبی، فائقه؛ قاسم‌آبادی، مرتضی و آقاپور، کمال (۱۳۹۶). تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی در نظام حقوقی ایران، *فصلنامه قضاوت*، سال ۱۷، شماره ۹۱، صص ۸۹-۱۲۰.
- حریری، علی (۱۴۰۲). مطالعه کارکردهای پنهان هنر در جامعه؛ با تأکید بر ظرفیت قانون‌گذاری هنرمندان معاصر ایران، *فصلنامه مطالعات هنرهای زیبا*، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۲۵-۳۲.
- خرسندموقر، نسترن؛ هاشمی، محمد؛ محبی، محسن و ابدی، سعیدرضا (۱۴۰۲). تحلیل حق اشتغال و مصادیق آن در رویه شورای نگهبان و مطالعه تطبیقی آن با دیوان عدالت اداری، *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۷۳-۹۲.
- دادنامه شماره ۶۹۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری.
- دانش‌ناری، زهرا و حبیب‌نژاد، احمد (۱۴۰۴). حمایت قضایی از حق بر هویت فرهنگی در پرتوی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال ۷، شماره ۲۳، صص ۶۵-۹۳.

- رحمت‌الهی، حسین و آقامحمدآقایی، احسان (۱۴۰۰). *نگاهی نو به مبانی حقوق عمومی (مفاهیم و ارزش‌ها)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زارعی، محمدحسین و مرادی برلیان، مهدی (۱۳۹۳). *مفهوم و جایگاه اصل تناسب در حقوق اداری با نگاه ویژه به نظام حقوقی اتحادیه اروپایی، فصلنامه تحقیقات حقوقی*، سال ۱۷، شماره ۶۶، صص ۱۴۵-۱۸۳.
- شهابی، مهدی و شهیدی، نگار (۱۳۹۷). «اخلاق حسنه» و «نظم عمومی» چون منبع اصول و قواعد حقوقی؛ تأملی بر چگونگی گذار از کارکرد سلبی به کارکرد ایجابی نهادهای حقوقی، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، سال ۴۸، شماره ۳، صص ۵۱۱-۵۲۸.
- طاهری، آزاده‌السادات (۱۳۹۶). *داستان یک حق؛ بررسی ریشه‌های تاریخی تضمین اشتغال به‌مثابه یک حق بشری*، *دوفصلنامه حقوق بشر*، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۴۹-۷۲.
- عبدی، ایوب و زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۶). *حاشیه صلاح‌دید دولت‌ها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر*، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال ۱۹، شماره ۵۵، صص ۶۱-۸۲.
- عراقی، سیدعزت‌الله (۱۴۰۱). *حقوق کار*، تهران: سمت.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). *حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها*، چاپ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
- قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مصوب ۱۳۶۵.
- قانون کار مصوب ۱۳۶۹.
- گرگی ازندریانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). *مبانی حقوق عمومی*، تهران: انتشارات جنگل.
- منشور ملل متحد مصوب ۱۹۴۵.
- موسوی گیلانی، سیدرضی (۱۳۸۶). *سنجش مؤلفه‌های هنر اسلامی با هنر مدرن، عصر آدینه*، شماره ۲، صص ۱۲-۲۴.
- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶.
نجارزاده هنجنی، مجید (۱۴۰۲). تحلیل تضمین امنیت شغلی کارگران زن در مرخصی
بارداری و زایمان، فصلنامه حقوق اداری، سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۲۲۱-۲۴۵.
والدرون، جرمی (۱۳۹۷). قانون‌گذاری، مفاهیم، نظریه‌ها و اصول؛ ترجمه حسن وکیلیان،
تهران: نشر نگاه معاصر.

ویژه، محمدرضا (۱۳۸۳). مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، فصلنامه حقوق
اساسی، سال ۱، شماره ۲، صص ۲۱۳-۲۵۲.

- Asfaw, A. G. & Chang, C. C. (2019). The association between job insecurity and engagement of employees at work, *Journal Workplace Behav Health* 34(2).
- De Villiers M. (1999). *Dictionnaire de droit Constitutionnel*, Paris: Aemand Colin.
- Greer, S. (2000). *The Margin of Appreciation: Interpretation and Discretion under the European Convention on Human Rights*, Strasbourg, Council of Europe Publishing.
- Harrison, T. (2009). *The Truth about Right-To-Work Laws*, New York: General Books LLC.
- Johnston, R. K., & Smith, J. W. (2001). *Life is Not Work Work is Not Life*, Wildcat Canyon Press, London.
- Kempen, P. H. V. (2013). Four Concepts of Security: A Human Rights Perspective, *Human Rights Law Review*, 13 (1).
- Sanyal, S., Wamique Hisam, M. & Baomar, Z. A. (2018). Loss Of Job Security And Its Impact On Employee Performance – A Study In Sultanate Of Oman, *International Journal of Innovative Research and Growth* 7(6).